آموزه مهدويت و حقوق محيط زيست

 دكتر بهرام اخوان كاظمي

چكيده

موضوع محيط زيست و ضرورت صيانت و حمايت از آن در كليه ادوار تاريخ بشر از اهميت ويژه‌اي برخوردار بوده تا جايي كه اين امر، انسان‌ها و جامعة انساني را وادشته است كه در چند دهه اخير، با وضع مقررات و قواعد ويژه‌اي، حقوق خاصي را تحت عنوان حقوق محيط زيست تدوين نمايند، اما با اين وجود هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات مخرّب حيات صنعتي، ماشيني و مصرفي خود را بر محيط زيست كنترل نمايد و جهان همواره با روند تخريب و آلودگي روز‌افزون محيط مزبور رو‌به‌رو است.

نظر به ضرورت طرح مباحث جديد و گشودن زواياي جديد در حوزه موضع مهدويت، اين مقاله تلاش دارد كه نوع نگرش به محيط زيست و جايگاه آن را در حيات طيبة مهدوي بررسي نموده و اين مدعا را اثبات نمايد كه حقوق محيط مذكور و هم‌چنين حقوق كليه جانداران و نباتات در عصر ظهور به نحو اكمل رعايت شده و حتي اين موجودات و محيط زيست آنها در دوران مهدي عليه السلام به نهايت تحقق استعدادها و قابليت‌هاي بالقوه خويش خواهند رسيد.

فصل اول : نگرشي به حقوق محيط زيست در جهان امروز

"محيط زيست"‌يكي از اصلي‌ترين دغدغه‌هاي بشر وجهان مدرن در چند دهة گذشته تاكنون بوده است. برهمين مبنا، ايجاد و تحول حقوق و تكاليف مربوط به محيط مزبور، چه در حقوق داخلي و چه در حقوق بينالملل از مسائل بسيار مهمي است كه ذهن بسياري از صاحب‌‌نظران، دولت‌مردان، و انبوهي از سازمان‌هاي جهاني و معاهدات بين‌المللي را به خود معطوف و مشغول نموده است.

البته "محيط زيست" دست‌كم به معناي امروزي آن در بسياري از زبان‌ها يك اصطلاح نو و تازه است و سابقه كاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم برمي‌گردد، هر چند كه اين اصطلاح از آغاز دهة 1960 م كاربرد پيوسته پيدا كرده است.

محيط زيست از گذشته‌هاي دور نيز مورد احترام تمدن‌ها و فرهنگ‌هاي پيشين بوده و از قداست خاصي برخوردار بوده است؛ مثلاً در بين ايرانيان، پرستش ميترا يا خورشيد؛ در بين هنديان و مصريان، تقديس رودخانه‌هاي گنگ و نيل و در بين بابليان، پرستش ستارگان رواج داشته و در كتاب‌هايي هم‌چون ريگ ودا (كتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابي در خصوص حفظ منابع طبيعي و خود آلودگي محيط زيست مطالبي وجود دارد. اقوام ديگر چون فنيقي‌ها، ليدي‌ها، هيتي‌ها، اقوام مايا و اينكا نيز به تقديس پديده‌هاي طبيعي پرداختهاند كه نشانة ظهور ايدة علاقه به طبيعت و حفظ محيط زيست از ادوار گذشته مي‌باشد.

با ظهور انقلاب صنعتي در قرن هجدهم، آسيب‌هاي زيست محيطي؛ به‌ويژه در جهان صنعتي غرب شكل بسيار ملموس‌تري يافت و پس از آن در قرن بيستم خسارات زيست محيطي با قضايايي هم‌چون "تريل اسميلتر" در 1941، "كانال كورفو" در 1946، اختلاف درياچه لانو در1957، "اختلاف سدگات" در 1968، "قضيه كاسموس 954" در سال 1978 در فضا، فاجعه كارخانه شيميايي "بوپال هند" در سال 1984، فاجعه نيروگاه هستهاي چرئوبيل در 26 آوريل 1986 و آلودگي‌هاي ناشي از حريق عمدي چاه‌هاي نفت كويت توسط عراق در جنگ دوم خليج فارس، شكل عيني‌تر و بحراني‌تري يافت و نشان داد كه بشريت براي چيرگي بر اين خطرات نيازمند عزمي جهاني و برنامه‌ريزي دقيق و انجام اقدامات قاطع و فراگير در سطوح محلي، منطقه‌اي و بين‌المللي است؛ زيرا در غير اين صورت حيات بشري دچار نابودي و انهدام روز افزون‌تري خواهد شد.

امروزه تهديدهاي زيست محيطي، دامنه وسيعي را در بر مي‌گيرد؛ از جمله: آب وهوا، ميزان حرارت و گرم شدن دماي زمين، بالا آمدن سطح درياها، حفظ گونه‌هاي مختلف و به ويژه نادر گياهي و جانوري، فرسايش لايه ازن، آثار فعاليت‌هاي صنعتي ناشي از اعمال انسان، تخريب جنگل‌ها، آلودگي آب‌ها، باران‌هاي اسيدي، آلودگي‌هاي صوتي، نظامي، و هسته‌اي و مانند آن.

از سويي برخي از اين ضايعات زيست محيطي، خود نيز منشأ ضايعات گسترده تري شدهاند؛ مثلاً كارشناسان معتقدند كه قطع درختان جنگلي به صورت انبوه و انتشار ممتد ضايعات صنعتي در فضا باعث تغييرات بسيار منفي در وضعيت آب و هواي جهاني و بالا آمدن سطح آب درياها، و به تبع آن، زير آب رفتن دشت‌هاي ساحلي و گسترش امواج گرمازا گرديده است؛ هم‌چنان كه سوخت‌هاي فسيلي و استفاده نامتناسب و گسترده از آنها باعث افزايش دي‌اكسيد‌كربن زمين و ايجاد پديدة گازهاي گلخانه‌اي شده است. وجود گازهاي سمي منتشره از فعاليت‌هاي صنعتي انساني منجر به اسيدي شدن باران‌ها گشته و آب‌هاي مصرفي و فضاي حياتي موجودات دريايي را مسموم نموده و سلامت انسان‌ها را به خطر مي‌اندازند.

امروزه اين اعتقاد وجود دارد كه اگر چه موضوعات محيط زيستي از جهت روابط بين‌الملل، پديده‌هاي جديدي نيست اما با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاينده‌اي مسائل محيط زيستي را از موضوعات حاشيه‌اي و جانبي، به دستور كار اصلي سياسي‌شان منتقل كردهاند.

هم‌چنان كه همين رويه نيز در مورد عمل‌كرد سازمان‌هاي بين‌المللي و جهاني در نحوة برخورد پيشگيرانه از آلودگي محيط زيست مشاهده مي‌شود و تصويب و عقد ده‌ها معاهده و كنوانسيون زيست محيطي بيان كننده چنين اهميت روز افزوني است.

بايد خاطرنشان نمود كه اصطلاح"محيط زيست" را مي‌توان به يك منطقه يا تمام سياره و حتي به فضاي خارجي‌اي كه آن را احاطه كرده اطلاق كرد. يونسكو براي محيط زيست، از اصطلاح "بيوسفر" يا لاية حياتي نام برده كه از تعاريف مُوَسَّع در اين باره بوده و عبارت است از : محيط زندگي بشر يا آن بخش از جهان كه بنا به دانش كنوني بشر، همة حيات در آن استمرار دارد. در حقيقت بيوسفر يا لاية حياتي، همان لايه و قشرنازكي است كه اين كره خاكي را در ميان گرفته و شامل زمين و هزار متر بالا و عمق زمين و اقيانوس‌هاست.

هم‌چنين محيط زيست؛ شامل آب، هوا، خاك و عوامل دروني و بيروني مربوط به حيات هر موجود زنده مي‌باشد كه در حقيقت حيات انساني، جانوري، گياهي و رشد آنها متأثر از اين محيط است، هم‌چنين از نظر برخي از كنوانسيون‌هاي محيط زيستي، محيط مذكور شامل بخش‌هاي زير مي‌شود:

الف) منابع طبيعي اعم از تجديدپذير و غير قابل تجديد؛ مانند هوا، آب، خاك و كليه جانوران و گياهان و تأثير متقابل اين عوامل بر يك‌ديگر؛

ب) امول و داراي‌هايي كه جزو ميراث فرهنگي مي‌باشند؛

ج) مناظر و چشم اندازهاي ويژه.

از اين‌رو، محيط زيست ساخت دست بشر؛ شامل بناها، آثارتاريخي، ساختمان‌هاي گوناگون و يا مناظر و چشم اندازهاي ويژه به عنوان بخشي از محيط زيست، بايد در برابر خرابي حراست شوند؛ همان طور كه منابع طبيعي كرة زمين از جمله هوا، آب، زمين، گياهان، حيوانات و به ويژه نمونه‌هاي معرف اكوسيستم‌هاي طبيعي بايد به نفع نسل‌هاي حاضر و آينده، برحسب نياز با برنامه ريزي و مديريت دقيق حفاظت شوند و با منطقي كردن مديريت توليد و مديريت منابع، تعارض موجود ميان توسعه و محيط زيست حل گردد، اما متأسفانه به وضوح مشخص است كه انسان عصر فراصنعتي و دورة "بيوتكنوالكترونيك" امروز، نتوانسته است بر معضل نابودي و تخريب محيط زيست توسط خويش فائق آيد و هر روز با نابودي بيشتر جنگل‌ها، افزايش بيابان‌ها، آلودگي هوا، آب و خاك، محيط زيست و انقراض گونه‌هايي از حيات جانوري و گياهي بيش از پيش مواجه است و اين فرايند در مداري بسته و قهقرايي، دائم در حال تكرار است و باز هم متأسفانه سرعت تخريب محيط مزبور از سرعت ترميم آن روز افزون‌تر است.

فصل دوم : حقوق محيط زيست در سيرة نبوي و معصومان:

در بحث از آموزة مهدويت، همواره نظر كردن به سيرة عموم معصومين ـ از خاتم انبيا(ص) تا امام يازدهم(ع)ـ راه‌گشا و ضروري است، زيرا حاكميت و امامت حضرت مهدي(ع) نقطه پاياني و تكميل رسالت نبوي و امامت ساير معصومين(ع) خواهد بود و بديهي است كه اين سيره، شارح و مبيِّن آموزة مهدويت است؛ همان‌طور كه اين آموزه نيز مكمل و مبيِّن سيرة مزبور مي‌باشد. بدين لحاظ در اين‌جا به گونه‌اي بسيار اجمالي به جايگاه حقوق موجودات اعم از جانوري و گياهي و محيط زيست آنها به عنوان مدخلي مقدماتي در تبيين بحث مذكور در آموزة مهدويت پرداخته مي‌شود.

ابتدا بايد گفت كه پيامبر مكرم اسلام(ص) به اين موضوع بسيار اهميت مي‌دادهاند؛ مثلاً در نهج الفصاحه، احاديث فراواني از ايشان در مورد اهميت درخت و درخت‌كاري و عمران و آباداني محيط زيست نقل شده است؛ از جمله فرمودهاند:

الف) "چه نيكو مالي است نخل كه در گل محكم است"؛

ب) "اگر رستاخيز بر پاشد و نهالي در دست يكي از شما بود، اگر مي‌تواند آن‌را بكارد بايد بكارد"؛

ج) "هركه درختي بنشاند، خدا به اندازه ميوه‌اي كه از آن درخت برون مي‌شود پاداش براي وي ثبت مي‌كند"؛

د) "هركه درختي بكارد هر بار كه انساني يا يكي از مخلوقات خدا (به اندازه ميوه‌اي كه از آن درخت برون مي‌شود) از آن بخورد براي او صدقه‌محسوب مي‌شود".

پيامبر(ص) در حديث فاخر ديگري، كاشت درخت، جاري كردن نهر و حفرچاه را به عنوان سه مورد از صدقات جاريه، هم‌پاي اثر "فرزند صالح " و "ساخت مسجد" به شمار آورده كه پاداش آن نيز براي فاعل آن تا ابد، دوام مي‌يابد. به فرموده ايشان.

هفت چيز است كه پاداش آن براي بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: كسي كه علمي تعليم دهد، يا نهري به جريان آورد، يا چاهي حفر كند، يا نخلي بكارد، يا مسجدي بسازد، يا مصحفي به ارث گذارد، يا فرزندي بر جا نهد كه پس از مرگش براي او آمرزش خواهد.

توصيه‌هاي پيامبرگرامي(ص) در مورد حفظ حقوق حيوانات و برخورد ملاطفت آميز با آنها فراوان است و ايشان علاوه بر نهي شديد از اذيت و كشتن به نا‌به جاي حيوانات، بررسيدگي كامل به آنها تأكيد مي‌ورزند؛ از جمله فرمودهاند:

ـ هر حيوان، پرنده يا غير آن به ناحق كشته شود روز قيامت با قاتل خويش مخاصمه كند؛

ـ هر كه گنجشكي را بيهوده بكشد روز قيامت بيايد و نزد عرش فرياد زند و گويد: پروردگارا از اين بپرس براي چه مرا بي‌فايده كشت؛

ـ هركه گنجشكي را به‌ناحق بكشد خدا روز قيامت از وي بازخواست كند؛

ـ زني به جهنم رفت براي آن كه گربه‌اي را بسته بود وچيزي بدو نخورانيد و نگذاشت از چيزهاي زمين بخورد تا بِمُرد.

در روايات نبوي بر ساخت‌و‌ساز و عمران محيط زيست تأكيد فراواني شده؛ هم‌چنان كه ايشان افراد را از سكني‌گزيني در خانه‌هاي ويران برحذر داشته و عدم اجابت دعاي چنين كسي راهمانند فردي دانسته كه در حفظ حيوان تحت مالكيت خويش اهمال ميورزد و فرمودهاند:

سه كساند كه خدا دعايشان را نمي‌پذيرد؛ مردي كه در خانة ويران جاي گيرد و مردي كه كنار راه اقامت گزيند و مردي كه حيوان خود را رها كند و سپس دعا كند كه خدا آن را نگه دارد.

پيامبر در احاديث فراوان ديگري، خرج كردن براي اسب را هم‌چون نفقه ضروري دانسته و ضمن همانند دانستن آن با صدقه، امساك نمودن در اين باره را نهي كرده و صاحبان اين حيوان را به نوازش پيشاني، جهت افزايش بركت اسب توصيه فرموده‌اند. بديهي است با توجه به كاربرد گسترده حيواناتي؛ مانند اسب در امور نظامي و حمل و نقل، تأكيد حضرت بر اسب به صورت نمادين بوده و در واقع ناظر بر حفظ حقوق ساير حيوانات نيز مي‌باشد؛ هم‌چنان كه پيامبر(ص) مردم را به تكريم گاو به عنوان مهتر چهارپايان توصيه مي‌نمايند. هم‌چنين از امام صادق(ع) نقل شده است كه پيامبراكرم(ص) مردم را از شلاق زدن؛ به خصوص به صورت چهارپايان و كشتن زنبور عسل نهي مي‌كردند. در حديث ديگري از امام صادق(ع) به علت نهي از شلاق زدن به چهرة حيوانات اين گونه اشاره شده كه حيوانان با صورت خود خداوند را تسبيح مي‌نمايند. نيز امام حسين(ع) در اين باره فرموده‌اند: "براي هر چيزي حرمتي نهادهاند و حرمت چهارپايان در چهرة آنها نهفته است".

در روايات اسلامي انسان‌هاي فاقد عقل، در رديف چهارپايان به شمار آمدهاند و يا حتي انساني كه شهوتش را بر عقلش حاكم مي‌كند از چهارپايان بدتر به حساب آمده است. بدين ترتيب حيوانات به دليل فقدان عقل در مرتبه پايين‌تر از انسان‌ها قرار داده شدهاند، ولي اين مسئله دليلي بر تجويز عدم مراعات حقوق آنها نيست چنان كه در برخي روايات، موجودات جانوري چهار دسته به شمار آمدهاند: اول انسان‌ها كه كامل‌ترين موجودات هستند، سپس چهارپايانندكه مهتري آنها برعهدة گاو است و سومين دسته پرندگان هستند كه مهتر آنها كركس است و چهارمين مِلك و صنف متعلق به حيوانات وحشي، با مهتري شير است. در اين روايت، امام علي(ع) تصريح فرموده‌اند كه گاو، عقاب و شير براي صنوف زير مجموعة خويش، از خداوند با تضرع درخواست رزق و شفاعت مي‌نمايند و بدين ترتيب بيان شده كه همه حيوانات اهل تسبيح خداوند بوده و عبادت پروردگار را به سبك و سياق خويش انجام مي‌دهند. با توجه به اين نوع نگرش دين اسلام به حيوانات و حتي گياهان، علت توصيه به رفتار محبت آميز و محترمانه و مودت آميز توسط اين دين حنيف بيشتر مشخص مي‌شود.

سيرة امام علي(ع) نيز مشحون حمايت از حقوق محيط زيست و رعايت حقوق حيوانات است. فراز دوم نامة 25 حضرت كه در واقع دستورالعملي جهت جمع آوري ماليات است، يكي از بهترين منشورهاي اسلامي در زمينة رعايت حقوق حيوانات است. اين بخش از نامه كه در واقع در سال 36 هجري به عُمّال و كارگزاران، نگارش يافته نحوة جمع آوري ماليات‌هايي كه از حيوانات جمع آوري مي‌گردد يادآوري نموده و نوع برخورد و نگه‌داري اين حيوانات را تا تحويل به بيت‌المال مسلمين چنين شرح مي‌دهد و عمل به اين دستور‌العمل را ماية هدايت و بزرگي پاداش الهي به شمار مي‌آورد:

در رساندن حيوانات، آن را به دست چوپاني كه خيرخواه و مهربان، امين و حافظ، كه نه سختگير باشد و نه ستم‌كار، نه تند براند و نه حيوانات را خسته كند، بسپار. سپس آن‌چه از بيت‌المال جمع آوري شد براي ما بفرست، تا در نيازهايي كه خدا اجازه فرموده مصرف كنيم. هرگاه حيوانات را به دست فردي امين سپردي، به او سفارش كن تا بين شتر و نوزادش جدايي نيفكند و شير آن را ندوشد تا به بچه‌اش زيان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعايت كند، و مراعات حال شتر خسته يا زخمي را كه سواري دادن براي او سخت است بنمايد. آنها را در سر راه به درون آب ببرد، و از جاده‌هايي كه دو طرف آن علف‌زار است به جاده بي‌علف نكشاند، و هرچند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت كنند، و هرگاه به آب و علف‌زار رسيد، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند تا آن‌گاه كه به اذن خدا برما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و كوفته باشند تا آنها را بر اساس رهنمود قران و سنت پيامبر(ص) تقسيم نماييم. عمل به دستورهاي ياد شده مايه بزرگي ِ پاداش و نيز هدايت تو خواهد بود.

فصل سوم: حقوق زيست محيطي در عصر مهدوي

با تأملي كوتاه در روايات مختص به عصر ظهور، به خوبي فهميده مي‌شود كه فضاي زيستي و موجودات ساكن در اين قلمرو، در نهايت كمال از مواهب حكومت حضرت مهدي عليه السلام برخوردار گشته و طعم آسايش، آرامش و حيات طيبة مبتني بر عدالت را خواهند چشيد. در اين جا به قرائني اجمالي از روايات وارده در اين مورد، با ذكر شاخصه‌هاي لازم مبادرت مي‌شود؛ به عبارت ديگر، موارد زير برخي از ويژگي‌هاي محيط‌زيست عصر ظهور و رعايت كامل حقوق مزبور در آن دوره خواهد بود و ياد‌آوري آنها از باب حصر نبوده و تنها اشاره‌اجمالي است:

1. تطهيرو نورانيت زمين

زمين در عصر مهدوي با لطف الهي از هرگونه جور و ظلمي تطهير مي‌شود و با نور الهي منور و تابان مي‌گردد. كلمات جور و ظلم با كلماتي مانند طغيان، ميل، انحراف داراي ترادف معنايي هستند، بديهي است كه هرگونه تلوّث و آلودگي، زير مجموعه معاني جور و ظلم قرارمي‌گيرد؛ زيرا هر گونه آلودگي به معناي انحراف از طبيعت مخلوق الهي و به معناي تعدي از حق و حركت به سوي باطل است؛ هم‌چنان كه ظلم به هرگونه تجاوز از حق، اعم از كم و زياد اطلاق مي‌شود. هم‌چنين ظلم در لغت به معناي تاريكي و شكافي است كه در زمين به وجود مي‌آيد و به معناي "تجاوز از حد و قرار دادن چيزي در جاي نامناسب" نيز آمده است. ابن فارس در معجم خود اذعان مي‌دارد: ظلم به دو معنا گفته مي‌شود: نخست به مفهوم مخالف نور و روشنايي؛ و دوم قرار دادن چيزي در جايگاهي كه شايسته آن نيست.

واضح است كه حكومت ظلم‌ستيز و عدالت‌محور مهدوي بر طبق اين تعاريف، حكومتي بر مبناي تطهير محيط زيست از هرگونه آلودگي و انحراف بوده و اين محيط را به وضعيتي آرماني برگشت خواهد داد و از طهارت و حيات طيبه آن حفاظت خواهدكرد.

امام رضا(ع) در تأبيد مراتب فوق مي‌فرمايند:

يطهر الله به الارض من كل جور ويقدّسها من كل ظلم... فاذا خرج، اشرقت الارض بنور ربها و وضع ميزان العدل بين الناس فلايظلم احدا احدا وهوالذي تطوي له الارض؛

خداوند به واسطة او، زمين را از هر گونه جور و ظلم تطهير و منزه مي‌نمايد. پس هنگامي كه وي (حضرت مهدي) خروج كند زمين با نور پروردگار، نوراني گشته و ترازوي عدالت در ميان مردم حكم‌فرما مي‌گردد. پس از آن، ديگر احدي به احد ديگر ظلم نمي‌كند و او كسي است كه زمين برايش در نورديده مي‌شود.

2. رضايت و سُرور موجودات و محيط زيست

روايات بي‌شماري در تبيين عصر مهدوي، حاكي از نهايت رضايت تمامي ساكنان و موجودات در زمين و آسمان از حكومت مهدي موعود است. پر واضح است كه اين رضايت و سرور همگاني نمي‌تواند بدون تأمين حقوق محيط زيست و كليه ساكنان آن باشد. در روايات متعددي به‌خصوص از پيامبر(ص) اين معنا چنين ذكر شده است:

... يملاء الارض عدلا كما ملئت جوراً يرضي في خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطير في الجو؛

زمين از عدل پر مي‌شود همان‌طور كه قبلاً از جور پرشده بود. در خلافت او اهل زمين و اهل آسمان و پرنده در هوا، راضي و خوش‌حال از اين حكومت هستند.

امام علي(ع) نيز فرموده‌اند:

از قيام وي اهل آسمان و ساكنان زمين فرحناك مي‌شوند. او زمين را پر از عدل كند؛ چنان‌كه پر از ظلم و ستم باشد.

3. امنيت، صلح و دوستي در سپهر انساني، حيواني و گياهي

محصول عدالت‌گستري و ظلم‌ستيزي حكومت مهدوي و رعايت حقوق محيط زيست و ساكنان آن، چيزي غير از امنيت و برقراري صلح و دوستي در فراخناي هستي نمي‌تواند باشد و همان‌طوركه برحسب روايات، كينه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشري رخت بر مي بندد از عالم حيواني و جانوري نيز اين كينه‌ها وعوامل نزاع، ناپديد خواهد شد و حتي حيواناتي كه به كينه جويي و تقابل با هم شهره بوده‌اند، در كمال مسالمت و آرامش به زندگي مودّت آميز در كنار هم خواهند پرداخت؛ هم‌چنان كه در حديث معروفي كه نشانه وضع امنيت بي‌سابقه در عصر ظهور است و حاكي از مسافرت زني به همراه زينت آلات خود از عراق به شام در كمال آرامش و بدون مزاحمت عامل انساني و حيوانات وحشي است، چنين ذكر شده: حيوانات وحشي و چهارپايان در اين عصر، دركمال صلح و مسالمت با يك‌ديگر به سر مي‌برند، به همين دليل نيز حيوانات وحشي ديگر خوف‌برانگيز نبوده، به سايرحيوانات و اين زن حمله نمي‌كنند. در روايتي ديگرذكر شده: "حيوانات وحشي امنيت مي‌يابند تا حدي كه همانند چهارپايان اهلي در راه‌هاي زمين به گردش در آمده و به چرا مشغول مي‌شوند".

در روايتي ديگر از معصوم(ع) اين وضعيت بدين صورت تشريح شده است:

اسمه اسم النبي يامر بالعدل ويفعله و ينهي عن المنكر ويجتنبي الله به الظلم ويجلو به الشك والعمي يرعي الذئب في ايامه مع الغنم ويرضي عنه ساكن السماء والطير في الجو والحتيان في البحار...؛

نام او نام پيامبر(ص) است. به عدالت امر نموده و خود بدان عمل مي‌كند و از منكر نهي نمايد و خداوند توسط وي از ظلم جلوگيري كرده و شك و عدم بصيرت‌ها را مي‌زدايد. گرگ و گوسفند در ايام او با هم به چرا مي‌پردازند و ساكنان آسمان و پرنده در هوا و مارهاي دريا از او راضي و خشنود هستند.

هم‌چنين در كنزالفوائد از ابن‌عباس ويژگي‌هاي عصر ظهور ذكر شده كه يكي از آنها اين است: "گرگ، ميش، گاو، شير، انسان و مار از جان خود ايمن باشند". نيز امام صادق(ع) با تشريح بركت‌دهي آسمان و زمين در اين دوره مي‌فرمايند: "همة وحوش و درندگان در امنيت كامل خواهند بود". بنابراين، همان گونه كه پيامبر(ص) فرموده‌اند، در حكومت جهاني حضرت مهدي " مردم در رفاه و چهارپايان در آسايش مي‌باشند". در روايت ديگري از پيامبر(ص) كه گوياي اوج حفظ حقوق محيط زيست در آن عصر طيبه مي‌باشد آمده است:

... نامش نام من است، در موقع ظهور او پرندگان را در آشيانه‌هاشان و ماهيان در درياها (با كمال آزادي و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) توليد نسل مي‌كنند و نهرها كشيده مي‌شود و چشمه‌ها مي‌جوشد و زمين دو برابر محصول خود را مي‌روياند....

4 . فعليت يابي كليه قابليتهاي محيط زيست در عالي‌ترين حد

با توجه به اين‌كه در اصيل‌ترين منابع ديني، عدالت به معناي قرار گرفتن هر چيز در جاي خويش، و ايفاي اهليت‌ها و رعايت و استيفاي كليه حقوق‌ها آمده است، بنابراين در حكومت مهدوي هر موجودي اعم از انسان، حيوان و نبات مي‌بايستي به عالي‌ترين جايگاه و تحقق كليه استعدادها و قابليت‌هاي خود برسد و چنين است كه در عصر مهدوي، افزون بر جامعه بشري، محيط زيست اَرضي و سَماوي وكليه موجودات ساكن در آنها به عالي‌ترين و نهايي‌ترين حد تحقق قابليت‌هاي خود دست مي‌يابند و به عبارت روشن‌تر، آنها نيز عدالت پيشگي را سرلوحة خود قرار مي‌دهند؛ به همين دليل آسمان و زمين ثروت‌هاي مكنون خود را بيرون مي‌ريزند و هرگونه آلودگي و تلوث را با ياري خداي منان و مواهب حكومت مهدوي از خود دور مي‌سازند و پوشش گياهي، تمام عالم را فرا مي‌گيرد؛ هم‌چنان‌كه در روايت مربوط به مسافرت سرشار از امنيت زني كه راه عراق و شام را مي‌پيمايد، آمده است كه وي "درمسير خويش گام نمي‌گذارد مگر برنبات و گياهان" و اين نشانه‌اي از پوشش گستردة گياهي در سراسر جهان است كه شام و عراق به عنوان مناطقي تقريباً كم آب و علف و نيمه خشك، در عصر ظهور پوشيده از گياه مي‌شوند. برخي از روايات بيان‌كننده تحقق كليه استعدادهاي بالقوه محيط زيست در دوران ظهور بدين شرح است، معصوم(ع) مي‌فرمايند:

فيحظب الناس فستبشر الارض بالعدل وتعطي السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تتزين لاهلها... و تخرج لهم الارض كنوزها...؛

پس ]حضرت مهدي[ مردم را مورد خطاب قرار داده و سپس زمين را به عدالت، بشارت مي‌دهد. در اين هنگام آسمان باران خود عطا نموده و درختان ميوه‌هاي خود را فرو مي‌فرستند.زمين كليه رستني‌هاي خويش را عرضه نموده و خود را براي اهل عالم با اين گياهان زينت مي‌بخشد...؛ هم‌چنان‌كه زمين براي مردم، گنج‌هاي خود را خارج مي‌سازد.

يظهر الله له كنوز الارض و معادنها و ينصره بالرعب...؛

خداوند گنج‌ها و معادن زمين را براي او آشكار ساخته و وي را با رعب خويش ياري مي‌دهد.

ذكر دو روايت از پيامبر گرامي ‌اسلام(ص) در اين مورد نيز به تنوير مطلب كمك بيشتري مي‌كند:

... يخرج رجل من اهل بيتي ويعمل بسنتي ونزل الله له البركة من السماء وتخرج الارض بركتها... يتنعم امتي في زمانه نعيماً لم يتمتعوا مثله قط البر والفاجر يرسل السماء عليهم مدرارا و لاتدخر الارض شيئاً من نباتها...؛

مردي از اهل بيت من خروج نموده و به سنت من عمل مي‌كند و خداوند براي وي بركت‌هاي خويش را از آسمان فر و مي‌فرستدو زمين نيز بركات خود را خارج مي‌سازد... امت من در زمان وي از نعماتي متنعم مي‌شود كه قبلا از آنها بهره مند نشده بود و نيكوكار و فاجر، جزو بهره مندان اين نعمت‌ها هستند. آسمان بر آنها باران‌هايش را نازل نموده و زمين چيزي از روييدني‌هايش باقي نمي‌ماند مگر اين كه آنها را بروياند و تأخيري در اين مورد روا نمي‌دارد.

5 . عمران وآباداني و توسعة موزون محيط زيست

مطالب پيشين به خوبي گوياي اوج عمران و آباداني محيط زيست در عصر ظهور است. با جود اين در پاره‌اي از روايات به گونه‌اي دقيق‌تر و مصداقي‌تر به اين آباداني اشاره شده و حتي آمده است كه تمام ويرانه‌هاي زمين آباد مي‌گردد. به فرموده امام‌باقر(ع):

... خداوند دين خود را به وسيلة او برتمام مكتب‌هاي جهان پيروز مي‌گرداند، هرچند مشركان ناخشنود و مخالف باشند، ويراني‌هاي زمين آباد مي‌گردد... .

هم‌چنين در تفسير آية مدهامتان از امام صادق(ع) منقول است كه در عصر ظهور؛ "بين مكه و مدينه از درختان نخل متصل مي‌گردد"، نيز امام صادق(ع) در بخشي از كلام خود پيرامون اين عصر، مي‌فرمايند: امام(ع) "مسجدي در بيرون كوفه مي‌سازد كه هزار درب داشته باشد، و خانه‌هاي كوفه به نهر كربلا و "حيره" متصل مي‌شود، به طوري كه مردي در روز جمعه سوار استر تندرو مي‌شود تا خود را به نماز برساند ولي به نماز نمي‌رسد."

شيخ طوسي با ذكر روايتي در كتاب تهذيب مي‌نويسد. اميرالمؤمنين(ع) به "حيره" تشريف برد و فرمود:

روزي برسد كه كوفه به حيره وصل شود و چنان مرغوبيت پيدا مي‌كند كه يك ذرع زمين آن به چند اشرفي فروخته مي‌شود و مسجدي درحيره بنا مي‌شود كه داراي پانصد درب باشد! و نمايندة قائم در آن نماز مي‌گذارد؛ زيرا مسجد كوفه براي آنها تنگ خواهد بود، دوازده پيش نماز عادل در آن‌جا نماز مي‌گذارد.

اين روايات حاكي از عمران، آباداني و توسعة موزون محيط زيست انساني، حيواني و نباتي در كل عالم است كه اين نيز ماحصل حمايت كامل از حقوق زيست محيطي در آن دوران درخشان است. نتيجة چنين وضعيتي آن است كه حتي كرة‌زمين نسبت به وضعيت بهينه خويش و از اين كه در زير قدم‌هاي ياران مهدي عليه السلام قرار مي‌گيرد به خود باليده و احساس غرور و افتخار مي‌نمايد. از امام باقر(ع) در اين مورد چنين نقل شده:

گويا من ياران قائم را مي‌بينم كه بر شرق وغرب جهان احاطه پيدا كرده‌اند و همه چيز تحت فرمان آنهاست؛ حتي درندگان زمين و پرندگان شكاري آسمان در پي رضايت آنها خواهند بود و همه چيز حتي اين نقطة زمين برنقطه ديگر آن اظهار فخر و غرور مي‌كند و مي‌گويد: امروز مردي از ياران قائم برمن قدم نهاد و عبوركرد.

(ص) . مقابله با آلاينده‌ها و رعايت حريم‌هاي خصوصي و عمومي‌در حيات مدني

اين موارد نه تنها به عنوان مصاديق دقيقي از حفظ حقوق محيط زيست صورت مي‌گيرد، بلكه حتي اگر آلايندگي محيط زيست منحصر به اشراف بر يك منزل يا ريزش آب از ناودان‌هاي منازل به محيط عمومي باشد و يا اين كه مسجد مشرف به خانه‌هاي مردم گردد و يا حتي بخشي از يك بنا در راه‌هاي عمومي ساخته شده باشد، با برخورد حكومت مواجه شده و اين مورد ولو با تخريب مسجد، برطرف مي‌گردد. در اين مورد در كتاب ارشاد، ابوبصير در حديثي طولاني از امام صادق(ع) روايت نموده كه مي‌فرمايد:

هنگامي كه قائم ما قيام كند، چهار مسجد را در كوفه منهدم مي‌كند و هيچ مسجد مشرفي را نمي‌گذارد جز اين كه كنگره و اشراف آن را خراب مي‌كند و به حال ساده و بدون اشراف مي‌گذارد. شاهراه‌ها را توسعه مي‌دهد، هر گوشه‌اي از خانه‌ها را كه واقع در راه عمومي ‌است اصلاح مي‌كند، و ناودان‌ها را كه مشرف به راه مردم است بر مي‌دارد. هر بدعتي رابرطرف مي‌سازد و هر سنتي را باقي مي‌گذارد....

(ع) . استفاده از راه‌كارها و فن‌آوري‌هاي جديد درمحيط زيست

نكتة قابل ذكر در اين‌جا آن است كه در عصر ظهور رشد و ترقي علوم و فنون به اوج خود رسيده و دانش بنا به روايات از دو حرف به بيست و هفت حرف خواهد رسيد؛ ضمن اين كه با شكوفايي و كمال عقلانيت بشري و افزايش فهم و درك جامعه انساني به عنوان يكي از مواهب خداداد عصر ظهور مواجه هستيم. پر واضح است در چنين وضعيت بالنده و سرشار از فن آوري‌هاي نوين، هزاران ابزار جديد علمي براي مقابله با آلاينده‌هاي صنعتي در دست‌رس بشر قرارخواهد گرفت و جهان از وجود تمامي آنها رهايي خواهد يافت. هم‌چنين در آن عصر، با تعالي جامعه و افراد انساني، بشر به عنوان اصلي‌ترين آلايندة محيط زيست، از ارتكاب اين گونه اعمال عاقلانه و برمبناي اعتقاد عملي به ديانت خويش، پرهيز خواهد كرد.

8 . گسترش حفظ محيط زيست به فضاهاي ماوراي زميني

برخي از خبرگان مباحث مهدويت معاصر بر اين باورندكه طبق روايات متعدد، كرات زيادي در آسمانها وجود دارد كه آباد و داراي جوامعي از مخلوقات‌اند كه غير از نوع انسان، فرشته و جن هستند. علامة مجلسي مجموعه‌اي از اين روايات را در بحار الانوار گرد آورده است؛ به اعتقاد استاد علي كوراني، و عده‌اي ديگر، شماري از آيات قرآن نيز بر اين معنا دلالت دارد از آجمله آية شريفة:

"اي جنيان اي انسان‌ها! اگر مي‌توانيد به اعماق آسمان‌ها و زمين راه پيدا كنيد، پس اقدام كنيد ولي موفق به اين نفوذ و سفر نمي‌شويد مگر به تسلط و فرمان‌روايي".

كوراني در ادامة اين آيه مي‌نويسد : "يعني به زودي زندگي روي زمين در زمان حضرت مهدي عليه السلام وارد مرحلة جديدي مي‌شود كه به طور كلي با گذشته‌ها تفاوت دارد". البته منظور ايشان آن است كه بشر در عصر ظهور با فتح ساير كرات مسكون و معمور توسط حضرت مهدي عليه السلام و حكومت وي مواجه خواهد گشت.

آن چه از اين مبحث به دست مي‌آيد اين است كه در آن عصر نوراني، هم محيط زيست و هم صيانت و حفاظت از آن، ابعاد بسيار گسترده تري نسبت به جهان فعلي يافته و قلمرو آن به همه كرات تحت سيطره حكومت حضرت كشانيده خواهدشد.

9. تعالي معنوي محيط زيست و همراهي آن با حيات طيبة مهدوي

بيان شد كه حتي حيوانات وحشي در دولت مهدوي، تعالي پيشه كرده و با كنارگذاشتن توحش، رام گشته و تكامل مي‌يابند و درندگي را كاملا كنار مي‌گذارند، جالب اين كه در برخي روايات، حيوانات عادي هم، كار ويژه‌هاي مخرب خود را كنار مي‌نهند تا جايي كه حيواني مانند موش، به تعبير ابن عباس، "ديگر انباني را پاره نمي‌كند"، اما اين تكامل خواهي تنها به حيوانات ونباتات محدود نمي‌شود بلكه جمادات نيز مي‌خواهند به اين حيات طيبه وارد شده و به نهضت جهاني امام عصر عليه السلام مساعدت نموده و آن را همراهي كنند. در اين مورد به واسطة ابوبصير، از امام صادق(ع) منقول است كه ايشان فرمودند:

.. وقتي با ارادة خدا، قائم قيام نمايد و چون حضرت ظهور نمايد، كافران و مشركان از قيام و ظهور وي ناراضي و نگرانند؛ زيرا اگر كافر و يا مشركي در پشت صخره‌اي نهان شود، آن صخره به صدا درآيد و گويد: اي مسلمان، در پناه من كافر و يا مشركي مخفي شده است او را به قتل برسان، وي اقدام كرده و او را به هلاكت مي‌رساند.

10. عاري بودن نبردها و قيام مهدوي از تخريب‌هاي زيست محيطي

تمامي روايات پيرامون قيام حضرت مهدي عليه السلام بر اين مطلب تصريح دارند كه در دورة ظهور امام عليه السلام ، ياران وي به مجازات و قتل و نابودي ستم‌گران اقدام خواهند نمود و همانند عمل جراحي لازمي، جامعه اسلامي و سايرجوامع جهاني را از لوث وجود سركشان و ستم پيشگان پاك‌سازي مي‌نمايند؛ زيرا بدون اين اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچيده نشده و عدالت، حاكميت پيدا نمي‌كند و اگر امام با سياست ِ ملايمت و گذشت با آنها رفتار نمايد، هرگز ترفندها و توطئه‌هاي جديد مستكبران و افساد كنندگان در زمين از بين نخواهد رفت. حضرت در عصر قيام، بنا به روايات؛ توبه ظاهري هيچ مجرم و جنايت‌كاري را نمي‌پذيرد و همان‌طور كه پيامبر اكرم(ص) در براندازي نظام جاهلي، جهاد پيشه كرد و با كافران به قتال و كارزار پرداخت، قيام مهدوي نيز علاوه بر تأسي به سيرة پيامبر (ص)در اين زمينه، حتي سخت‌گيري بر ستم‌گران را جايگزين رأفت نبوي مي‌نمايد.

از امام باقر(ع) روايت شده است كه فرمود :

اما شباهت داشتن مهدي به جد گراميش رسول خدا(ص)؛ قيام وظهور او با شمشير و كشتن دشمنان خدا و رسول او و ستم‌گران و طاغوت‌ها است وي به وسيلة شمشيرو ايجاد ترس در دل دشمنان پيروز مي‌گردد و لشكريان او شكست نمي‌خورند.

اما متاسفانه برخي از دشمنان و يا حتي دوستان نا آگاه در ميزانِ اعمال خشونت و كشتار حكومت مهدوي، چنان راه غلو پيشه كرده‌اند كه با قاطعاته مي‌گويند: حضرت مهدي عليه السلام در تقابل با دشمنان خويش به جنگ هسته‌اي خواهد پرداخت و آنها را با اين سلاح مهيب به ورطه نابودي خواهد كشانيد!! نگارنده معتقد است نه تنها در عصر ظهور نيازي به سلاح هسته‌اي نيست، بلكه نبرد حكومت مهدوي و ياران آن حضرت با دشمنان، فاقد تبعات تخريب زيست محيطي و ايجاد فجايع محيط زيستي، مشابه آن‌چه كه امروز اتفاق مي‌افتد، خواهد بود. برخي از ادلة اين مدعا چنين است:

الف‌) بنابه برخي ارزيابيها، در اثر يك جنگ هسته‌اي معمولي در جهان امروز، دست كم5/1 ميليارد انسان كشته خواهد شد، ابرهاي هسته‌اي ايجاد شده در اثر انفجار اوليه، منجر به ظهور زمستاني طولاني مدت با كاهش دماي حدود پنجاه درجه زير صفر مي‌گردد و زمين مدت‌ها از نور خورشيد محروم و گياهان در اين مدت از رويش بازخواهند ايستاد و شايد بسياري از آنها و از جمله حيوانات نابود گردند. حال اين سؤال قابل طرح است كه بنابه روايت‌هاي قبلي، چگونه ممكن است قيامي باعث رضايت وخشنودي همة ساكنان سماوي و ارضي گردد و در عين حال هم آنها وهم محيط زيست را به بدترين شكل نابود كند؟! ضمن آن كه اثرات و تشعشعات چنين جنگي، ديرپا و ده‌ها سال داراي اثرات مرگ‌بار خواهد بود و اين نيز با ماهيت حيات طيبهي آرماني مهدوي منافات دارد. مگر نه اين كه در روايات آمده است كه حكومت مهدوي، حكومتي است كه حتي خفته‌اي را بي‌جهت بيدار نمي‌كند، پس چگونه ممكن است در قيام امام، سلاح‌هايي اين چنين مخرب به كار گرفته شود؟ آن هم در دوره‌اي كه عصر امنيت فراگير در انحاي عالم، و سرشاري جهان از نعمت امنيت است.

ب) با توجه به روايات پيش گفته، مبني بر افزايش فهم بشري و گسترش دانش بشري از دو حرف به7 2 حرف در عصر ظهور، ‌بديهي است امام عليه السلام مي‌تواند با ابزارهاي نوين، تقابلي كه مبتني بر فناوري‌هاي جديدي باشند؛ هم به مبارزه با سلاح‌هاي مخرب ستم‌كاران عالم بپردازد و هم اينكه تأثير اين سلاح‌ها را خنثي ساخته و آنها را در واقع بي‌اثر و خلع سلاح نمايد؛ لذا امام عليه السلام مي‌تواند با استفاده از علم زمانة خويش، شمشير را كه به عنوان سلاح نمادين حضرت در روايات آمده، به سلاحها و ابزارهاي متعارف و كار آمد روز متحول سازد؛ ابزارهايي كه در عين تأثير‌گذاري فاقد آلايندگي و تخريب زيست محيطي باشند.

ج) بنا به روايات، قتال حضرت مهدي عليه السلام همانند كشتارهاي بي‌هدف امروزي نيست و حضرت با استفاده از علم لُدني خويش تنها كساني را كه به هيچ وجه اصلاح پذير نيستند هلاك مي‌سازد و بقيه بدكاران قابل اصلاح را به حال خود رها مي‌كند تا توبه كنند و اصلاح شوند؛ همان طوري كه در روايات، نعمات عصر ظهور، هم براي نيكوكاران و هم بدكاران ملحوظ گشته است.

ازسوي ديگر، ‌طبق روايت، انهدام بخش قابل توجهي از جامعة بشري توسط حكومت مهدوي صورت نمي‌گيرد، لذا نمي‌توان آن را محصول عمليات نظامي و تخريبي حضرت دانست، بلكه قبل از ظهور اين اتفاق به دست خود انسان‌ها در اثر منازعات جوامع انساني حاصل مي‌گردد و بدين ترتيب در همه گيتي فرياد منجي و موعود‌خواهي بلند گشته و نجات خود را از خداوند و فرستادة وي طلب مي‌نمايند؛ لذا اين گونه فجايع انساني و زيست محيطي محصول دورة قبل از ظهور است. امام صادق(ع) در اين مورد مي‌فرمايد:

قبل از ظهور قائم دو نوع مرگ و مردن گريبان مردم را مي‌گيرد: يكي مرگ سرخ و ديگري مرگ سفيد، مرگ سرخ با شمشير است و مرگ سفيد طاعون و از هر هفت نفر، پنج نفر از بين مي‌روند و دو نفر باقي مي‌مانند.

امام علي(ع) هم فرموده‌اند:

لاتخرج المهدي حتي يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقي ثلث؛

حضرت مهدي عليه السلام خروج نمي‌كند تا اين كه قبل از او ثلث مردم كشته مي‌شوند و ثلث ديگر مي‌ميرند و ثلثي باقي مي‌مانند".

د) طبق روايات فراوان، قيام مهدوي با رعب و نصرت الهي و با كمك فرشتگان وحتي جبرئيل و ميكائيل همراه است. بنابراين، حضرت مهدي عليه السلام نيازي به توسل به سلاح‌هاي مخربي مانند سلاح هسته‌اي نخواهند داشت و در صورت تمسك ايشان به سلاح‌هاي نوين، بديهي است چنين اقدام تقابلي، مستظهر به نصرت الهي و مؤيد به مساعدت فرشتگان، و فاقد هرگونه تخريب زيست محيطي و يا فجايع انساني باشد و چنين تفكري از اساس، محال و حتي تناقض نما (پارادوكسيكال) است. برخي از رواياتي كه حاكي از نصرت الهي در حكومت وقيام مهدوي‌اند به شرح زيراست: پيامبر(ص) فرموده: "قائم در كنف حمايت جبرئيل و ميكائيل مي‌باشد".

شيخ مفيد در كتاب ارشاد از ابوبكر حضرمي روايت نموده كه امام محمد باقر(ع) فرمود:

گويا قائم را در بلندي كوفه (شهر نجف) مي‌بينم كه با پنج هزار فرشته در حالي كه جبرئيل از سمت راست و ميكائيل از سمت چپ و مؤمنان پيش روي او قراردارند به آن‌جا آمده است و لشكرهاي خود را در شهر پراكنده مي‌سازد.

هم‌چنين از امام صادق(ع) نقل شده كه فرموده‌اند:

... خداوند صاحب الامر را با سه لشكر از فرشتگان و مؤمنان و رعبي (كه در دل پادشاهان و گردن‌كشان مي‌اندازد ) تأييد مي‌كند.

پيامبر نيز در فرازي طولاني در شرح ويژگي‌هاي حضرت مهدي عليه السلام وقيام وي فرموده‌اند:

او دين خدا را بر همة اديان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأييد شود، پس زمين را پر از عدل و داد كند؛ چنان‌كه پر از جور و ستم شده بود.

با اين توضيحات كاملا مبرهن است كه قيام الهي حضرت مهدي عليه السلام كه معطوف به حيات طيبه قرآني و عاري از هرگونه آلودگي و تلوث و آلايندگي است. برخلاف اين توهم، چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاكي و صميميت در سپهر حيات انساني، جانوري و نباتي و حتي عرصه‌هاي فرا زميني خواهد بود.

استنتاج

در نوشتار حاضر، در جهت تبيين وضعيت حقوق محيط زيست در آموزه و حيات طيبة مهدوي، ابتدا به وضعيت حقوق مزبور و اهميت محيط زيست و شرايط بحراني آن در جهان امروز اشاره گرديد و سپس با هدف تشريح هر چه بيشتر موضوع حاضر در حكومت جهاني موعود، به طور اجمال، ‌اين مسأله در سيرة نبوي و ساير معصومان: مورد بررسي واقع شد. نتيجه اين بررسي نشان داد كه توجه ويژه حكومت مهدوي به موضوع محيط زيست و ارتقاي تعالي بخشي به آن، به شكل كاملاً نمايان، ريشه و تفكر اسلامي و سنت ناب نبوي و علوي دارد. آن‌گاه به طور اخص، مبحث حاضر در آموزة مهدوي ژرف نگري گرديد واين نتيجه به دست آمد كه در عصر ظهور، حقوق محيط مذكور به نحوكمال رعايت شده و حتي موجودات و محيط زيست آنها در گستره‌هايي به وسعت جهان هستي دچار ارتقا و تكامل در حيات مادي و معنوي گشته و ضمن همراهي رضايت مندانه، و شايد مبتني بر شعور، به نهايت تحقق استعدادها و قابليت‌هاي بالقوه خويش خواهند رسيد و عالم هستي از هرگونه تلوث، آلودگي و آلايندگي مادي و معنوي،‌تطهير و پاك خواهد شد و با اشراق الهي، منور و مشعشع مي‌گردد و با نابودي شيطان و كليه وساوس شيطاني، تسبيح و حمد الهي كليه موجودات و حتي جمادات بيش از پيش با انسان متعالي اين عصر نو پديد و سعيد، هم‌نواتر خواهند شد. در خاتمه برخي از ويژگي‌هاي زيست‌محيطي دوران طيبة مهدوي به نحو اجمالي يادآور مي‌گردد:

1. تطهير و نورانيت زمين؛

2. رضايت و سرور موجودات و محيط زيست؛

3. امنيت، صلح و دوستي در سپهر انساني، حيواني و گياهي؛

4. فعليت‌يابي كليه قابليت‌هاي محيط زيست در عالي‌ترين حد؛

5. عمران، آباداني و توسعة موزون محيط زيست؛

(ص). مقابله با آلاينده‌ها و رعايت حريم‌هاي خصوصي و عمومي درحيات مدني؛

(ع). استفاده از راه‌كارها و فن آوري‌هاي جديد در حفظ محيط زيست؛

8. گسترش حفظ محيط زيست به فضاهاي ماوراي زميني؛

9. تعالي معنوي محيط زيست و همراهي آن با حيات طيبة مهدوي؛

10. عاري بودن نبردها و قيام مهدوي از تخريب‌هاي زيست محيطي.

بنابراين محيط زيست و موجودات هستي با اين تحول و استحاله ايجابي، به اصل و وضع اصلي و طبيعي و الهي خود باز خواهند گرديد و بنا به تعريف عدل (قرارگرفتن هر چيز در جاي خود و استيفاي اهليت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت د رمورد آنها اجراشده و به نهايت اهليت و سزاواري و تحقق استعدادها و قابليت‌هاي مكنون خويش دست خواهند يافت.

------------------

پي نوشت :

.Environment .1

.Trial smelter .1

.Corfu channel case .2

.Lake lanoux Arbitration .3

. Gut dam Arbiration.

Soviet satellite cosmos 945 case. .5

(ص). در سال 1984، نشت گاز متيل ايزو سايانيت از يك كارخانه تابعة يونيون در بوپال هند، موجب مرگ دوهزار نفر و آسيب ديدن دويست هزار نفر گرديد.

1. نك: سيد فضل‌الله موسوي، حقوق بين‌الملل محيط زيست و تحقيقي از دانشگاه‌هاروارد (ترجمه)، تهران، نشرميزان،1380، ص 31.

Biosphere. 2.

1. نك: محمد‌حسن حبيبي، الكساندركيس و...، حقوق محيط زيست، انتشارات دانشگاه تهران، 1379، ص 7.

1. براي مشاهده احاديث نك: مرتضي فريد تنكابني، نهج الفصاحه، كلمات قصار حضرت رسول‌اكرم(ص)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1377، ص 268- 267.

2. نك : همان، ص 268.

1. همان.

2. نك: همان، ص 35، (باب الفرس ـ الخيل).

3. "اكرموا البقر فانه سيد البهائم " (محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، چاپ تهران ج 13، ص 208، روايت 3، باب 7).

4. "قال نَهي رسول‌الله عن ضرب وجوه البهائم و نهي عن قتل النحل و نهي عن الوسم في وجوه البهائم" (بحار الانوار، ج46، ص 215، روايت 28، باب 8).

5. نك : همان، ج 64، ص 288، روايت 25، باب 9

6. نك : همان، ص 215، روايت 28، باب 8

1. "فاما من عدم العقل فانه يلحق بمنزلة البهائم" (همان، ج 61، ص 323،‌روايت 30، باب 47).

2. "من غلب شهوته عقله فهو شرمن البهائم" (همان، ج 60، ص 299، روايت 5، باب 39).

3. نك: همان، ج 58،ص 11، روايت 8، باب 4.

1. نهج البلاغه (ترجمه و شرح محمد دشتي)، نامه 25، قم، موسسه فرهنگي تحقيقاتي اميرالمومنين(ع)، انتشارات حضور،1381، بند 2، ص 368-367.

1. نك، ابن منظور، لسان العرب، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1988 م، ج 12،‌ ص 373.

2. نك، راغب اصفهاني، معجم مفردات الفاظ القران، تحقيق : نديم مرعشلي، بيروت، دارلفكر، 1972، ص 326.

3. نك، ابن فارس، معجم مقايس اللغة، ج3، ص 468.

4. بحار الانوار، ج 52، ص 321، روايت 29، باب 27.

1. نك: همان، ج 51، ص 78، روايت 37 و ج 36، ص 219، روايت 19- باب 40. و ج 51، ص 80،‌روايت 37،‌باب 1 ج 51، ص 95، روايت 38، باب 1.

2. "اصطلحت السباع و البهائم" (نك: بحارالانوار، ج 10، ص 104، روايت 1 باب 7).

3. "... و تأمن الوحوش حتي ترتعي في طرق الارض كانعام مهم" (همان، ج 53، ص 86، روايت 86، باب 29).

4. همان، ج 36، ص 219، روايت 19، باب 40.

1. نك، مهدي موعود، پيشين، ص 257.

2. همان، ص 374.

3. همان، ص 294.

4. همان، ص 1095.

1. "ولا تضع قدميها الا علي النبات" نك : بحارالانوار، ج 10، ص 104،‌روايت 1، باب 7.

2. همان، ج 53، ص 86، روايت 86، باب 29.

3. همان، ج 52،‌ص 322، ‌روايت 31، باب 27.

4. همان، ج 51، ص 80، روايت 37، باب 1.

5. همان، ص 78، روايت 37.

1. علي كوراني، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالي، تهران، انتشارات سازمان تبليغات اسلامي، 1369، ص 357.

2. همان،‌ص 365 ( به نقل از بحارالانوار، ج 56، ص 49).

3. مجلسي، مهدي موعود، پيشين، ص 1116.

4. همان، ص 1135- 1134.

1. كوراني، عصر ظهور، ص 368 (به نقل از بحارالانوار، ج 52، ص 327).

2. مجلسي، مهدي موعود، پيشين، ص 1121.

3. بحارالانوار، ج 52،‌ص 336، ح 7.

1. ر. ك: علي سعادت پرور، ظهور نور، ترجمه محمد جواد وزيري فرد، تهران، احياء كتاب، 1380، ‌ص 302 ( به نقل از اثباه الهده، ج 3، ص 495، ح 253).

2. سوره الرحمان، آيات 24- 23.

3. نك: كوراني، عصر ظهور، ص 370.

1. نك: مجلسي، مهدي موعود، پيشين ص 257، درهيمن منبع از ابن عباس نقل شده كه در حكومت حضرت مهدي، خوك‌ها معدوم مي شوند كه البته نگارنده چنين روايت منقولي از معصومين نديده است و اگرهم روايت موثقي باشد، ناظر بر اين است كه در حكومت حضرت با انعدام خوك‌ها، زمينة انجام گناه (خوردن گوشت حرام اين حيوان) ‌را از بين مي برد؛ والله اعلم.

2. كوراني. پيشين، ص 356،‌( به نقل از مجمع البحرين، ‌ص 87).

1. همان، ص 353 ( به نقل از بحارالانوار، ج 51، ص 218)؛ هم‌چنين نك: مجلسي، مهدي موعود، پيشين، ص 1126.

2. نك: لطف الله صافي گلپايگاني، منتخب الاثر، ب 7، ح 2 قم، مكتب داوري، ص 478.

1. همه پيامبران الهي مخصوصا پيامبران اولوالعزم در زمان ظهور خود مجهز به علم و به عبارتي ابزار متناسب با زمان خود بوده‌اند؛ مثلا در زمان عيسي(ع) با توجه به پيشرفت علم طب و رونق آن، وي امراض صعب العلاج را شفا داده و به اذن خدا مرده را زنده كرد. در زمان موسي(ع) علم سحر رونق داشت و اين پيامبر به عصاي سحر آميز مجهز شده بود. در زمان پيامبر اسلام، علم فصاحت و بلاغت و شعروشاعري در بين اعراب رونق داشت و ايشان مجهز به قراني شدند كه سرآمد فصاحت و بلاغت در عالم بشري گرديد.

2. نك: همان، ص 355

3. حيدري كاشاني، حكومت عدل گستر، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ سوم، بيتا، ص 213.

1. همان.

2. نك، مجلسي، مهدي موعود،‌پيشين، ص 289.

3. همان،‌ص 1119.

4. همان، ص 1125.

5. همان، ص 1135.